

آنچه اتفاق افتاد

هیلاری کیلنتون
برگردان: فاطمه قربانپور



یادداشت ناشر /

هیلا ری رادهام کلینتون زن انتخاب های سخت لقب گرفته است؛ ازدواج با بیل کلینتون، نامزدی ریاست جمهوری، قبول پست وزارت خارجه اوپاما، فرستادن یگان ویژه دریایی به پاکستان برای دستگیری اسامه بن لادن، مداخله نظامی در لیبی - که اتفاقاً تبعات منفی بسیاری داشت - و... بخشی از کارنامه های کاری اوست. (هیلا ری رادهام کلینتون، ۱۳۹۶، ۱۴-۱۳)

همراهی وی با سیاست های دولت متبوع خود که از خلال خاطرات وی نیز پیداست، پیرنگ تابلوی زندگی او را واضح تر می سازد. حتی هنگامی که از واژه های دل انگیزی چون آزادی و دموکراسی سخن می گوید. «در واقع وقتی از رژیم های سرکوبگر خاور میانه انتقاد می کرد عمداً و به منظور خاصی نامی از عربستان سعودی به میان نمی آورد. کشوری که حکومت سلطنتی ارتجاعی آن را آمریکا برای ۶۰ سال گذشته به خاطر نفت، حمایت کرده است. عربستان سعودی دیرزمانی است که بزرگترین خریدار سلاح های پیشرفته ی آمریکا است، وال استریت ژورنال برآورد کرده است که فروشی را که اوپاما برای سال ۲۰۱۰ تایید کرده است ممکن از ۶۰ میلیارد دلار تجاوز کند. در حالی که عربستان سعودی چوب لای چرخ اصلاحات دموکراتیک در سراسر منطقه می گذارد.» (الیور استون، ۱۳۹۶، ۸۲۵-۸۲۶)

مداخله سیاسی، مالی و - در مورد بحرین - حتی نظامی بخشی از تلاش های عربستان سعودی در منطقه است که بدون حمایت دولت آمریکا هرگز امکان بروز نمی یافت.

وی گاهی نیز به صراحت اعلام می کند که «همیشه با رئیس جمهور و تیم او موافق نبودم» (هیلا ری، ۱۳۹۶، ۳۶) اما بعد اذعان می دارد که رئیس جمهور درباره ی وی گفته است که «انتخاب هیلا ری نشانه ای برای دوستان و دشمنان ما، بر عزم متعهدانه من برای

یادداشت ناشر / ۷
 درباره ی نویسنده / ۱۱
 یادداشت نویسنده / ۱۵
ایستادگی / ۲۱
 حضور / ۲۳
 عزم و امتنان / ۳۹
رقابت / ۵۹
 در تلاش / ۱۶
 آغاز / ۸۱
 روزی از روزهای زندگی / ۱۰۶
خواهرانه / ۱۳۳
 در باب زن بودن در سیاست / ۱۳۵
 مادرانه، همسرانه، دخترانه و خواهرانه / ۱۷۲
 از اندوه تا جنبش / ۱۹۷
ایدئال گرایی و واقع گرایی / ۲۱۹
 تغییر دهندگان / ۲۲۱
 دغدغه ی مسائل جزئی / ۲۴۳
 تاریخ سازی / ۲۷۰
استیصال / ۲۸۷
 جاده های وطن / ۲۸۹
 آن ایمیل های لعنتی / ۳۱۴
 تروپ ها، بات ها، اخبار کذب و روس های واقعی / ۳۴۸
 شب انتخابات / ۴۰۰
 چرا / ۴۱۳
 قدردانی / ۴۵۱

بازسازی دیپلماسی ایالات متحده است.» (همان، ۳۶)

همراهی با سیاست‌های نتانیا هوو دوستان دست راستی لجوج وی، مقابله با سیاست هسته‌ای ایران برای جلوگیری از رویه‌ای که شاید کشورهای منطقه از آن پیروی کنند، ایجاد بحران‌های ساختگی برای تسلط دوباره بر آسیا و... نشانه‌ی روشنی بر تأیید سخنان او باما برای انتخاب هیلاری است.

باری کتاب «آنچه اتفاق افتاد»، چنان که هیلاری رودهام کلینتون می‌گوید: فقط داستان او از شکستی است که در انتخابات سال ۲۰۱۶ خورده است. اما این همه‌ی ماجرا نیست. وی به درستی می‌گوید که بررسی کامل و جامع آنچه در این انتخابات رخ داد کار او نیست چراکه وی جزئی از این واقعه است لذا نمی‌توان آن را به طور کامل و جامع تحلیل کند.

اکنون نگاهی سریع و اجمالی به آمریکا ضرورتی اجتناب ناپذیر است. «آمریکا یکی از ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل است، جمعیت آن به تقریب ۳۱۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ میلادی برابر ۳/۴ درصد جمعیت کل دنیا است. در عین حال بودجه نظامی آن در سال ۲۰۱۴ میلادی از مجموع بودجه نظامی تمام کشورهای دنیا بیشتر بوده است.» (الیور استون، ۱۳۹۶: ۱۲)

اما از این امپراتوری سرایا مسلح چه تولید می‌شود؟ آمریکا به دنبال برتری جهانی است و مردم دنیا بهای گزاف این برتری جویی را پرداخته‌اند؛ از هیروشیما و ناکازاکی، ویتنام، فیلیپین، کوبا تا سوریه و یمن و عراق و...

«پرونده سیاست خارجی آمریکا را در هر جا که باز کنیم وضع را به همین قرار می‌بینیم. اول زبان‌آوری و سخنان فریبنده و اندکی اقدام ترقی خواهانه و بعد اغلب رفتاری مزورانه و مرتجعانه» (لئو هیوبرمن ۱۳۹۳: ۴۸۰) گاه نیز از بیان صریح آن ابایی ندارند. اظهارات دیگ چینی، معاون رئیس جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه جنگ علیه تروریسم شاید پنجاه سال یا بیشتر به درازا کشد، رمان ۱۹۸۴ - اثر بزرگ و پیشگویانه ی جورج اورول - را در ذهن تداعی می‌کند به نظر می‌رسد در حالی که تنها ابرقدرت دنیا برتری جویی جهانی‌اش را پی می‌گیرد، برای توجیه کنترل فزاینده‌اش بر جامعه و سرکوب فزاینده‌ی مردم به دستگاه حکومتی، چاره‌ای جز این ندارد که زندگی ما شهروندان جهان را با هراس مداوم و توهم جنگی پایان نیافتنی همراه سازد. (جان

بیلجر، ۱۳۹۲: ۱۵)

با تامل در آنچه گذشت درمی‌یابیم که در شرایط کنونی جهان، خانم کلینتون گزینه‌ی مناسبی برای پیشبرد اهداف سیاست گذاران آمریکا نیست گرچه وی بتواند با ۶۵,۸۴۴,۶۱۹ رأی، بیشترین رأیی را که تا کنون مردم آمریکا به یک رئیس جمهور داده‌اند را نیز کسب کند. در هر صورت خواندن کتاب «آنچه اتفاق افتاد» برای خواننده ایرانی فرصت مغتنمی است حتی اگر همه‌ی واقعیت انتخاب‌های سال ۲۰۱۶ را دربر نگیرد.

«فراموش نکنیم در آن حوزه‌ی دید و چشم اندازی که از سوی مدعیان اصلی در حزب‌های اصلی در بر گرفته می‌شود همیشه به افق مالکیت و تجارت یا کسب و کار محدود شده است. آنها خصلت‌های اقتصادی فرهنگ سرمایه‌داری را به عنوان خصایص ضروری انسانی پذیرفته‌اند... این فرهنگ را به شدت به فرهنگ ملی آمریکا تبدیل کرده‌اند...» (هاوارد زین، ۱۳۹۳: ۷۳۷)

این همان واقعیتی است که خانم کلینتون از آن سخن نمی‌گوید!

سرویراستار و مدیر هنری

سید خلیل حسینی

احضورا

نفس عمیقی می کشم. هواریه هایم را پرمی کند. درستش همین است. کشور باید بداند که دموکراسی ما هنوز جواب می دهد، اهمیتی ندارد که این کار چه قدر سخت باشد. نفسم را بیرون می دهم. بعد فریاد می زنم.

درست در چارچوب در، بالای پله های منتهی به مراسم افتتاحیه ایستاده ام و منتظرم سخنران، من و بیل را صدا بزند تا در جای مان بنشینیم. در خیالم هرجایی هستم به جز این جا. شاید بالی؟ بالی خوب است.

برای بیل و من به عنوان رئیس جمهور و بانوی اول سابق عرف است که در مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید شرکت کنیم. هفته ها برای این که بروم یا نه با خودم در جدال بودم. جان لويس نمی رفت. قهرمان حقوق مدنی و نماینده ی کنگره این طور گفته بود که به دلیل شواهد زیاد مبنی بر دخالت روسیه در انتخابات، رئیس جمهور منتخب مشروعیت ندارد. اعضای دیگر کنگره در بایکوت رئیس جمهور منتخبی که به عقیده ی آن ها منافق بود به او پیوستند. خیلی از حامیان و دوستان نزدیکم اصرار داشتند من هم در خانه بمانم.

دوستانم می دانستند که نشستن در مراسم و تماشای تحلیف دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور بعدی چه قدر دردناک خواهد بود. سرسختانه جنگیده بودم تا شاهد چنین اتفاقی نباشم. اعتقاد من این بود که او خطری واضح و آشکار هم برای کشور و هم دنیا است. حالا بدترین اتفاق ممکن افتاده بود و او در آستانه ی ادای سوگند به عنوان رئیس جمهور بود.

به علاوه پس از کارزار انتخاباتی بدطینتی که ترامپ به راه انداخته بود، اگر می رفتم

آنچه انسان را از پای در نیاورد قوی ترش می کند.

فردریک نیچه (و کلی کلا رکسون)
